

## بهشت زیر پای مادران!

**تلفن زنگ زد، گوشی را برداشتم . دختر جوانی با صدائی حزن انگیز سلام کرد و قبل از آنکه بمن فرصت پاسخ دهد گفت : من سارا هستم . دختری که قربانی هوس مادرش شده . انگار مرا برق گرفت ، چون تا آن روز همیشه از فراست و ایثار مادران سخن رانده شده ولی این بار گویا مهر و محبت مادری جایش را به هوی و هوس داده است .**

کنجکاوانه ولی با لحنی کاملاً دوستانه و اطمینان بخش گفتم ، سارای عزیز! فکر نمیکنی ممکن است که تو در اشتباه باشی؟ چون این را همه میدانند که خداوند بهشت را زیر پایهای مادران قرار داده و او بلافاصله حرفم را قطع کرد و گفت : اما نه زیر پای مادر من ! بعد شروع کرد به گریه ، آنقدر بغض در گلو داشت که مجال حرف زدن پیدا نمیکرد . دلم از انبوهی غصه هایش گرفت و اشکهای مرا هم سرازیر کردند. میخواستم سخنی بگویم تا کمی آرامش کنم ولی میترسیدم بفهمد مرا هم گریان کرده ! صبر کردم تا خودش آرام گیرد.

پس از سکوتی که هزاران سخن درش نهفته بود چون بلبلی پر شکسته آواز سخن سر داد گفت: نمیدانم چرا شما را محرم خود دانسته برای اولین بار پرده از اسرار درونم برمیدارم؟ هیچده سال دارم ، دیپلم گرفته و در حال حاضر هم کار میکنم و هم به دانشگاه می روم . حدود شش سال پیش مادرم مرا ترک کرد در حالیکه هیچ چیزی در زندگی اش کم نداشت ولی به پدرم علاقه چندانی نشان نمی داد. هیچکدام نفهمیدیم چرا؟ پدرم حتی سیگار هم نمیکشید، او اهل هیچ نوع هوسبازی نبود . بی نهایت خانواده دوست بود و بر همین اصل مادرم را خیلی دوست داشت ولی او بطور ناگهانی هر دوی ما را ترک کرد! اگر بر فرض پدرم در حقش ظلمی کرده بود آخر چرا مرا تنها گذاشت؟ مگر من از او خواسته بودم تا مرا به این جهان آورد؟ او با بیرحمی و شقاوت به عذابی محکومم کرد که به هیچ وجه مستحق آن نبودم . حالا به من حق میدهید تا از او متنفر باشم؟ او مرا در حساس ترین دوران زندگی ام رها کرد، رفت در حالیکه برای بوئیدن گل وجودش بهر گوشه و کنار خانه سر میزد و در هر کوی و برزن چشمم چون پرستویی آشیان گم کرده بهر سو بدنبالش میگشت . وقتی دوستانم در مدرسه از محبتهای گرم مادرشان، از شانه کردن گیسوانشان ، از بوسه های شب به خیر و قربان صدقه رفتنشان داد سخن میدادند، من در دل خون گریه میکردم و در شبهای تنهایی ام بی صدا از سوز دل فریاد بر می آوردم که چرا من مادر ندارم؟ هر روز و هر شبم با اشک و حسرت میگذرد و در غم بی مادری چون کوره در سوز و گدازم . هر وقت به خانه باز میگرفتم گوئی وارد زندانی شده ام که نرده هایش از طلاست و وقتی برای فرار از آن قفس به کوچه و خیابان سر مینهم انگار به گورستانی سرد و تاریک پا نهاده ام .

اگر در خانه ای مادری نباشد ویرانه ای خواهد بود که بر بامش جغد شوم طلاق آشیان ساخته و آوای شوم بدبختی سر داده است . کدامین دست چون دست او مهربان و نوازشگر است؟ کدام آغوش گرمی آغوشش را دارد؟ چه کسی را بیابم تا چون او نصلیج و پندهایش آویزه گوش و سرمایه خسران ناپذیر معاملات زندگی ام باشد؟ او رفت و با خود سعادت ، خوشبختی و روح زندگی ام را هم برد و تمامی چیزهایی را که پروردگار برای من نزدش به ودیعه نهاده بود، در اختیار مرد غریبه ای گذاشت که به هیچ عنوان مستحق دریافت آن نبود، کسی که هرگز مانند من دوستش نخواهد داشت .

با وجود اینهمه ستم که بر من روا داشته آیا میتوان بر او نام مقدس مادر نهاد؟ از شما می پرسم! خداوند بهشت را زیر پای او هم قرار داده به پاداش این جهنمی که برای من فراهم ساخته؟ آیا سزوار نفرت نیست؟

فکر کنید! بمن حق میدهید تا آنچه را که در وصف مادر گفته اند نقض نمایم؟ و آیا باز هم در این اندیشه اید که در اشتباهم؟! حرفهای دردناک و جانگداز سارا آتش به جانم زد و دل مرا به درد آورد، گرچه دیگر سکوت کرده بود ولی من به خوبی میدانستم در درونش چه میگذرد، اما نمیدانستم چگونه دل آتشینش را ولو با کلمه ای از سوز و گداز بیاندازم و بر زخم جگرش مرحمی بگذارم؟ احساس میکردم تمام وجودم زیر بار سئوالش دارد خرد میشود حقیقتاً آیا حق با سارا بود؟ تا نظر خواننده این واقعه چه باشد؟

**ارادتمند شما - مهرانگیز خدیور**

# تهران

هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و هنری

سال ششم ، شماره ۳۵ ، جمعه ۴ اکتبر ۲۰۰۲

صاحب امتیاز و ناشر  
**شهبود نوری**

Executive Director & Publisher  
**SHAHBOD NOORI**

زیر نظر شورای  
**نویسندگان**

|                            |                             |
|----------------------------|-----------------------------|
| <b>مستانه اختیاری</b>      | <b>اشتراک و نمایندگی ها</b> |
| <b>پروانه عبریانی</b>      | <b>مروغپین</b>              |
| <b>صوفیا سرگون</b>         | <b>امور دفتری</b>           |
| <b>فرخ محبوب</b>           | <b>مسابرداری</b>            |
| <b>شهریار امیر سلیمانی</b> | <b>گرافیک</b>               |
| <b>آلینا</b>               | <b>طراحی</b>                |
| <b>واهیک آبکاریان</b>      | <b>پفش</b>                  |
| <b>زری ابراهیمی</b>        | <b>بازرگانی</b>             |
| <b>متر و نوم استودیو</b>   | <b>طراحی روی جلد</b>        |

- نویسندگان مجله مسئول نوشته های خود هستند و نظرات آنها نظر قطعی مجله تهران نیست.  
- مدیریت، کارکنان و آگهی دهنده گان مجله تهران هیچگونه مسئولیتی نسبت به نامه ها، فکس ها، شایعه ها و دیگر مطالب رسیده به دفتر مجله را ندارند.  
- مجله تهران همچنین در اصلاح مطالب رسیده آزاد است.  
- مسئولیت صحت آگهی های چاپ شده در تهران با صاحبان آگهی هاست.  
- دریافت آگهی توسط نمایندگان به منزله ی تعهد به چاپ آن نیست و چاپ آگهی به منزله ی چاپ آن در شماره های بعدی نمی باشد.  
- استفاده از طرحهای آگهی ها و مطالب تهران باید با اجازه کتبی از ناشر مجله باشد.  
- درج آگهی نیازمند به رایگان تحت شرایطی رایگان میباشد.  
- در صورت اشتباه چاپی در آگهی، مجله تهران یک بار چاپ مجدد آن را تعهد می نماید.  
- عکس های هنرمندان و غیره رسیده به دفتر مجله، اگر بدون نام عکاس باشد دفتر مجله تهران در زمان چاپ عکس (بدون نام عکاس) هیچگونه مسئولیتی نسبت به آن عکاس ندارد.

***We occasionally use material we believe has been placed in the public domain.***

Sometimes it is impossible to identify and contact the copyright holder. If you claim ownership of something we have published, we will be pleased to make a proper acknowledgement. All letters & pictures received are assumed to be for publication unless otherwise stated. TEHRAN Magazine can not be held responsible for unsolicited contribution. If you send it to us and we toss it by mistake, **tough** Keep a copy next time!

**(818) 881-1771**

**Fax (818) 881- 0701**

**Tehran Magazine**

**P.O.Box 261394**

**Encino, CA 91426-1394**

**WWW.TEHRANMAGAZINE.COM**

**E.MAIL: TEHRAN@PACBELL.NET**

## در این هفته میخوانید

- (گزارش ویژه) ۸ سپتامبر Who Cares? ..... صفحه ۸
- (گزارش) عبرتی از ماجرای سپتامبر برای خودمان شهرام به همه آموخت ..... صفحه ۱۰
- (گزارش) عرق شرم، وام ازدواج ۲۰۰۰۰۰۰ تومانی و سوء استفاده های چند میلیون تومانی ..... صفحه ۱۲
- (گزارش) کتلت در جریان ادیان ..... صفحه ۱۴
- (گزارش) پشت پرده های انقلاب ..... صفحه ۱۶
- رویدادهای ایران و جهان ..... صفحه ۲۰
- مهندس ارجمند (مشاور و کارشناس با تجربه شهرداری لس آنجلس) ..... صفحه ۲۶
- ای شیخ با چراغ همی گفت کرد شهر ..... (داستان) (خدیور) ..... صفحه ۲۸
- این تویی که ..... (داستان) (حسینقلی مستعان) ..... صفحه ۳۰
- نفتالین، مرگ موش، دواي لباس (داستان) ..... صفحه ۳۲
- اجتماعی (یک جامعه شناس، بیکاری، ریشه بسیاری از بزهکاریهاست ..... صفحه ۳۶
- مادر فکر میکردم مراها کرده ای (داستان) ..... صفحه ۳۸
- پاورقی زندان (خوب نگاه کنید راستکی است) ..... صفحه ۴۰
- مردم و دولت فداکار (داستان طنز) ..... صفحه ۴۲
- پزشکی (افسردگی و افسردگان) ..... صفحه ۴۴
- شعر و ادب ..... صفحه ۴۶
- آموزش آشپزی ..... صفحه ۴۸
- اخبار ورزشی ایران و جهان (عباس خلیقی) ..... صفحه ۵۲
- باز خوانی داستان داش آکل (نقد فیلم) ..... صفحه ۵۴
- داستانهای شهر هرت (شاهکارهای سربازان پیشگام سازندگی در کانادای مخروبه ..... صفحه ۵۶
- جنجال تازه بر سر عدم برگزاری کنسرت گوگوش ..... صفحه ۵۸
- گپ و گفتگو میان دو فنجان ..... صفحه ۶۰
- (در جواب مقاله های بنی صدر) ..... صفحه ۶۲
- برگزیدگان ..... صفحه ۶۴
- جدول ..... صفحه ۸۲
- نیازمندیهای بازار تهران ..... صفحه ۸۴
- پنجره ای رو به ماوراء (دانیل) ..... صفحه ۸۸
- پیشگونی هفته (دانیل) ..... صفحه ۹۲
- انگلیسی ..... صفحه ۹۴

## فرم اشتراک مجله تهران

هزینه اشتراک داخل آمریکا پست معمولی (سالانه ۷۸ دلار) پست سریع ۲ روزه (سالانه ۱۳۰ دلار)

Name.....Last Name.....

Address.....Suite #.....

City.....State.....Zip.....Tel: ( ).....

Visa or Master card #.....Expires.....

Please Send Your Check or Money Order (US\$) To: P.O.BOX 261394

TEHRAN International Weekly Magazine Encino CA 91426-1394